



سه نرخی شدن قیمت بنزین قطعا منجر به فساد می شود

پیش بینی حذف بنزین ۱۵۰۰ تومانی تا ۶ ماه آینده

صفحه ۸

آسیب پذیری شدید خانواده‌ها را تهدید می کند

معیشت زیر سایه سنگین تورم

اجتماعی عمیقی را نیز با خود آورده است. وقتی کالاهایی همچون لبنیات، پروتئین، غلات و سبزیجات برای بخش بزرگی از مردم غیرقابل دسترس می‌شوند، ماجرا دیگر به گرانی ختم نمی‌شود. امنیت غذایی دچار بحران می‌شود، سلامت عمومی جامعه آسیب می‌بیند و روابط اجتماعی تضعیف می‌شوند.

افزایش قیمت‌های چشمگیر بر اقلامی چون برنج و مرغ که از مواد اساسی سبد غذایی ایرانیان هستند، شاهدهی روشن بر این بحران است. بسیاری از خانواده‌ها این روزها توان خرید برنج کیلویی ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان را ندارند. مرغ نیز که زمانی برای بسیاری از خانواده‌ها آخرین گزینه‌ی ارزان برای تأمین پروتئین محسوب می‌شد، حالا قیمتی فراتر از ۱۵۰ هزار تومان به خود دیده است. این تغییرات نه‌تنها الگوهای تغذیه‌ای را مختل کرده، بلکه موجب کاهش مصرف این کالاها شده است.

ادامه در همین صفحه

خیانت به خانواده‌های ایرانی راه پیدا کرده است	عارف در همایش بیمه و توسعه:	عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:
تجاری سازی طلاق	چرا نباید	آیا دولت با سه نرخی کردن بنزین به اهداف خود می‌رسد؟
در فضای مجازی	موضوع جنگ در بیمه دیده‌شود؟	
صفحه ۳	صفحه ۲	صفحه ۸

سخت نخست



به‌قلم: روح‌الله سپندآرند

اختصاص دادن اینترنت بدون فیلتر به عده‌ای خاص مربوط می‌شود. بخش مهمی از کسانی که از این امتیاز برخوردار شدند، همان‌هایی هستند که همیشه موافق فیلترینگ و مخالف اینترنت آزاد بوده‌اند و مصداق آن واعظانی به شمار می‌روند کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند، چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند.

ادامه در صفحه ۲

لارس اسونسن در کتاب فلسفه شر تاکید می‌کند: «شر را هیچ‌گاه نه باید توجیه کرد، نه باید از اهمیتش کاست، بلکه باید با آن مبارزه کرد».

گویا تغییرات جدید در X (توییتر سابق) و ماجرای تحت عنوان «سیم‌کارت‌های سفید» جنجال زیادی آنجا به راه انداخته که همچنان هم ادامه دارد؛ موضوعی که به

آسیب پذیری شدید خانواده‌ها را تهدید می کند

معیشت زیر سایه سنگین تورم

تأمین نیازهای ابتدایی خود هستند، احساس می‌کنند نظام اقتصادی به سود آن‌ها عمل نمی‌کند. این حس می‌تواند روحیه جمعی را تضعیف کرده و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر سازد.

یکی از نگران‌کننده‌ترین پیامدهای تورم مواد غذایی پدیده کودکان کار است. اقلامی هشدار می‌دهد که فشار مالی ممکن است خانواده‌ها را مجبور به بیرون کشیدن کودکان از مدارس برای تأمین درآمد کند. با ناتوانی از سرمایه‌گذاری روی تحصیل نسل جدید، چرخه فقر نه‌تنها متوقف نمی‌شود بلکه به نسل آینده منتقل خواهد شد.

اقلامی معتقد است که دولت نمی‌تواند در مواجهه با این چالش‌ها تنها به سیاست‌های اقتصادی اتکا کند. ضروری است برنامه‌های حمایتی اجتماعی نیز در دستور کار قرار گیرد: حمایت‌های روانی برای خانواده‌ها، طرح‌های تغذیه‌ای ویژه برای کودکان مدارس و تقویت شبکه‌های حمایتی محلی باید در اولویت قرار گیرند.

تورم همان داستان سفره‌هایی است که هر روز کوچکتر می‌شوند؛ کودکان محرومی که با غذاهایی بی‌کیفیت بزرگ می‌شوند؛ والدینی که زیر فشار مداوم زندگی طاقشان طاق می‌شود؛ و جامعه‌ای که نابرابری را با هر روز بیشتر و آشکارتر احساس می‌کند. اقشار ضعیف جامعه اکنون در مرز آسیب‌پذیری شدید قرار دارند و دیگر زمانی برای تعلل وجود ندارد.

اقلامی تاکید دارد که تورم ۴۰ درصدی مواد غذایی فقط معضل گرانی چند قلم کالا نیست؛ بلکه روایتی از تبعات عمیق‌تر بر جسم، روان و آینده جامعه است. هر روز تاخیر در تصمیم‌گیری به معنای کوچک‌تر شدن سفره‌ای دیگر و افزایش احتمال آسیب‌های اجتماعی تازه خواهد بود.



برای فرزندانشان فراهم کنند. چالش روزانه‌ی تأمین نیازهای اولیه آن‌ها را در چرخه‌ای از استرس مزمن گرفتار می‌کند. این وضعیت نه‌تنها بر سلامت روان آن‌ها اثر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند باعث افزایش رفتارهای پرخطر، پرخاشگری و حتی خشونت‌های خانگی شود. اقلیما همچنین به تغییرات ناخواسته در الگوی تغذیه‌ای جامعه اشاره می‌کند. بسیاری از خانواده‌ها مجبور شده‌اند به مصرف غذاهای ارزان و فرآوری‌شده روی آورند؛ غذاهایی که اگرچه ممکن است شکم را سیر کنند اما فاقد ارزش تغذیه‌ای واقعی و حاوی مواد مضر برای سلامتی در بلندمدت هستند. این خود زمینه‌ساز رشد بیماری‌هایی چون دیابت، چاقی و مشکلات قلبی در آینده خواهد بود. در کنار این اثرات آشکار، بحران تورم مواد غذایی نتایج دیگری نیز به همراه دارد. افزایش نابرابری اجتماعی، تقویت احساس بی‌عدالتی، کاهش اعتماد عمومی، و افزایش تنش‌های اجتماعی از پیامدهای جدی چنین وضعیتی است. وقتی مردم شاهد دشواری

الیهه مؤثرتر از آنچه تاکنون انجام شده است. جامعه‌ای که در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای خود گرفتار نگرانی باشد، نخواهد توانست کیفیت زندگی مطلوب یا حتی تعادل اجتماعی خود را حفظ کند. توجه ویژه به امنیت غذایی و بازنگری در سیاست‌های حمایتی تا حد زیادی می‌تواند شکاف‌های ایجادشده را کاهش دهد و امید را به خانواده‌های ایرانی بازگرداند.

تورم مواد غذایی نه‌تنها یک بحران اقتصادی، بلکه معضلی اجتماعی و روانی است که جامعه را در ابعاد گوناگون متأثر می‌کند. مصطفی اقلیما، پدر علم‌مددکاری اجتماعی در ایران، در گفت‌وگویی با تجارت‌نیوز درباره این موضوع به توضیحاتی پرداخته که نگرانی‌های عمیق ناشی از این پدیده را برجسته‌تر می‌کند. به باور او، تورم مواد غذایی، خانواده‌ها را در تأمین یکی از بدیهی‌ترین نیازهای انسان، یعنی غذا، دچار چالش کرده و اضطراب و ناامنی روانی را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. تصور کنید والدینی که نمی‌توانند غذای کافی و مناسب

ادامه از همین صفحه

اما آیا طرح‌های حمایتی دولت توانسته‌اند مرهمی بر این زخم اقتصادی باشند؟ متأسفانه بسیاری از مردم معتقدند که چنین طرح‌هایی نظیر «سبد کالا» و «کالابریگ الکترونیکی»، یا ناکارآمد بوده‌اند یا حداقل تأثیر چندانی در کاهش مشکلات نداشته‌اند. ناهماهنگی میان نهادهای مسئول، تأخیر در اجرا و ابهام در نحوه تخصیص این حمایت‌ها، دلایل عمده‌ی این ناکارآمدی عنوان شده‌اند.

به عنوان نمونه، قرار بود مرحله جدید طرح کالابریگ از آبان‌ماه اجرایی شود؛ اما حالا صحبت از اجرای آن در آذرماه شده و همین تأخیرها به اعتماد جامعه لطمه زده است. علی جعفری آذر، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، اخیراً با صراحت به نواقص موجود در اجرای این طرح انتقاد کرده است. او تأکید کرده که پیش‌تر وعده داده شده بود مردم بتوانند اقلام اساسی را با قیمت سال ۱۴۰۰ تهیه کنند و اختلاف قیمت را دولت پوشش دهد، اما این وعده هنوز عملی نشده است.

جعفری آذر همچنین به ناکافی بودن حمایت‌های مالی گذشته اشاره کرده است. او بیان کرد که مبالغی نظیر ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان دیگر جوابگوی تأمین سبد خرید خانواده‌ها نیست. او با مقایسه ساده‌ای گفت که چنین رقمی امروز حتی برای خرید دو عدد مرغ کافی نیست. این مثال نشان‌دهنده آن است که چگونه تورم، قدرت خرید مردم را در مدت زمانی کوتاه کاهش داده است. حتی اگر کالابریگ الکترونیکی با همان چارچوب اولیه اجرایی شود، تورم موجود قدرت اثرگذاری آن را تا حد زیادی کاهش خواهد داد.

در نهایت، روشن است که حل بحران اقتصادی-اجتماعی کنونی نیازمند اقداماتی سریع‌تر، هدفمندتر و

اخبار

پشت پرده تغییرات بازار ارز با ۳ ریشه مهم
چرا دلار در ژانویه تغییر می‌کند؟



در سال‌های اخیر الگوی مشخصی در بازار ارز ایران دیده می‌شود. در آذر و دی، به‌ویژه هفته‌های منتهی به سال نوی میلادی، تقاضا برای ارز افزایش می‌یابد. این پدیده که در میان فعالان بازار به اثر ژانویه مشهور شده، ۳ ریشه اصلی دارد.

به گزارش اقتصاد۲۴، دلار آزاد که هفته گذشته در محدوده ۱۱۴ هزار تومان معامله می‌شد، روز گذشته به مرز ۱۱۹ هزار تومان رسید. دلار هرات، درهم امارات و بازارهای منطقه‌ای نیز در مسیر مشابه حرکت کردند؛ نشانه‌ای از آنکه تقاضای فصلی نه‌فقط داخلی، بلکه در سطح منطقه‌ای نیز فعال شده است.

تحلیلگران معتقدند آنچه در ظاهر به‌عنوان نوسان بازار داخلی دیده می‌شود، در واقع بازتاب یک چرخه جهانی و منطقه‌ای است که هر سال با شروع ژانویه خود را در بازار ارز ایران نشان می‌دهد. با این حال افزایش تقاضای فصلی همه ماجرا نیست.

جهش اخیر دلار حاصل مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی است، اما مهم‌ترین نیروی محرک آن افزایش تقاضای فصلی پایان سال میلادی و چرخه همیشگی ژانویه است؛ چرخه‌ای که امسال به‌دلیل نااطمینانی‌های سیاسی و تورمی با شدت بیشتری ظاهر شده است.

اثر ژانویه چیست و چرا مهم است؟

در سال‌های اخیر الگوی مشخصی در بازار ارز ایران دیده می‌شود. در آذر و دی، به‌ویژه هفته‌های منتهی به سال نوی میلادی، تقاضا برای ارز افزایش می‌یابد. این پدیده که در میان فعالان بازار به اثر ژانویه مشهور شده، ۳ ریشه اصلی دارد.

۱- تسویه حساب‌های تجاری پایان سال: واردکنندگان و شرکت‌هایی که با طرف‌های خارجی کار می‌کنند، معمولاً پیش از بسته‌شدن سال مالی باید بدهی‌ها، حواله‌ها و پرداخت‌های دلاری خود را انجام دهند. این موضوع موجب افزایش ناگهانی تقاضا برای حواله و اسکناس در هفته‌های پایانی سال میلادی می‌شود.

۲- سفارش‌گذاری کالای زمستانی و ابتدای سال: بسیاری از واردکنندگان برای تأمین نیازهای سال آینده یا موجودی فصل زمستان، سفارش‌های خود را در آذر و دی نهایی می‌کنند. این الگوی زمانی باعث می‌شود فشار تقاضای ارزی حتی پیش از شروع ژانویه خود را در بازار نشان دهد.

۳- جهش سفرهای خارجی: افزایش سفرهای کاری و خانوادگی ایرانی‌ها در ماه‌های آذر و دی، چه برای تعطیلات کریسمس و چه برای سفرهای تجاری، یکی دیگر از عوامل رشد تقاضای اسکناس است؛ سفرهایی که در آمار رسمی دیده نمی‌شود، اما در بازار آزاد اثر مشخصی برجای می‌گذارد.

یادداشت

تأثیر هوش مصنوعی بر آینده کار؛ تغییر نقش انسان نه حذف آن

در سال‌های اخیر هر بار که صحبت از هوش مصنوعی به میان آمده اولین نگرانی بسیاری از مردم این بوده که «آیا شغل ما در خطر است؟» اما تصور رایج «جایگزینی کامل انسان با ماشین» با واقعیت فاصله دارد. حقیقت این است که هوش مصنوعی در حال تغییر شغل‌هاست، نه حذف آن‌ها؛ تغییری که اگر آن را بشناسیم و به‌موقع با آن همراه شویم می‌تواند به فرصتی بزرگ تبدیل شود.

بزرگ‌ترین تحولی که هوش مصنوعی ایجاد می‌کند انتقال انسان از «اجراکننده» به «ناظر و خلاق» است. مشاغلی که بر تکرار، پردازش یا سرعت متکی بودند-مثل ورود داده، تدوین های ساده، پشتیبانی مشتری یا تحلیل اولیه اسناد-

طبیعتاً بیشترین تغییر را تجربه می‌کنند. اما همین مشاغل وقتی با هوش مصنوعی ترکیب شوند به جای حذف، به مشاغل پر بارتر و سطح بالاتر تبدیل می‌شوند. کارمندی که ساعت‌ها زمان صرف آماده‌سازی گزارش می‌کرد حالا می‌تواند با کمک ابزارهای هوش مصنوعی، در چند دقیقه گزارش را آماده کرده و وقتش را صرف تصمیم‌گیری، تحلیل و گفتگو با مشتریان کند.

در واقع آنچه در معرض خطر است بخش مکانیکی شغل‌هاست، نه خود شغل‌ها. همان‌طور که ماشین حساب حسابدارها را بیکار نکرد بلکه کارشان را دقیق‌تر و ضروری‌تر کرد، هوش مصنوعی هم نقش‌های انسانی را پیچیده‌تر و

ارزشمندتر خواهد کرد. مهارتی که امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد توانایی کار کردن کنار هوش مصنوعی است، نه رقابت با آن. با این حال یک نکته مهم را نباید نادیده گرفت: سرعت تغییرات. برخلاف انقلاب‌های صنعتی گذشته که چند دهه طول می‌کشیدند، موج هوش مصنوعی به شکل پیوسته و سریع پیش می‌رود. همین سرعت باعث می‌شود کسانی که مهارت‌های جدید را یاد نمی‌گیرند یا از ترس تغییر عقب‌نشینی می‌کنند، بیش از دیگران آسیب ببینند. این فناوری جایگزین کسانی می‌شود که از آن استفاده نکنند، نه کسانی که آن را می‌شناسند و از آن بهره می‌برند.

یادداشت

به‌قلم: مهدی بذرافکن

به نظر می‌رسد برای آینده سه مهارت حیاتی هستند: تفکر انتقادی، خلاقیت و سواد کار با ابزارهای هوش مصنوعی. این‌ها مهارت‌هایی‌اند که ماشین‌ها نمی‌توانند به‌طور کامل تقلید کنند؛ همان نقاطی که انسان همچنان برتری دارد. پرسش اصلی اما این نیست که «آیا هوش مصنوعی شغل‌ها را از بین می‌برد؟» بلکه این است که ما چقدر آماده‌ایم شغل‌مان را بازتعریف کنیم. آینده کار، جنگ انسان و ماشین نیست؛ همکاری انسان توانمند و ماشینی است که سرعت و دقت را به او هدیه می‌دهد. کسانی که این ترکیب را جدی بگیرند از موج تغییرات عقب نمی‌مانند و در خط مقدم آن خواهند بود.